

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE WALL STREET JOURNAL.

نتانیا‌هو به دنبال جنگ جدید با ایران

شش ماه پس از آغاز جنگ ۱۲ روزه با ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، مقامات اسرائیلی اکنون احتمال درگیری دیگری را بر سر تلاش‌های تهران برای بازسازی زرادخانه موشک‌های بالستیک خود مطرح می‌کنند. بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، روز چهارشنبه در مراسم فارغ‌التحصیلی خلبانان نیروی هوایی اسرائیل گفت که اسرائیل فعالیت‌های حماس، حزب‌الله و ایران را در زمینه تسلیح مجدد زیر نظر دارد و در صورت لزوم اقدام خواهد کرد. وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی این کشور نیز در همان مراسم اظهار داشتند که اسرائیل برای جلوگیری از تهدیدات جدید دست به اقدام خواهد زد. نتانیا‌هو گفت: «ما به دنبال درگیری نیستیم، اما چشمان‌مان نسبت به هر خطر احتمالی باز است.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که نتانیا‌هو برای دیدار با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، آماده سفر به ایالات متحده می‌شود. به گفته یک مقام اسرائیلی، ارزیابی اسرائیل از پیشرفت ایران در زمینه موشک‌های بالستیک و احتمال اقدامات نظامی بیشتر، در دستور کار دیدار این دو رهبر خواهد بود. هنوز مشخص نیست که دولت ترامپ با احتمال حملات جدید به ایران چگونه برخورد خواهد کرد؛ آن هم در شرایطی که واشنگتن برای تثبیت توافق صلح غزه (با میانجیگری آمریکا) و حل تنش‌ها با دولت جدید سوریه، به اسرائیل تکیه کرده است. ترامپ بارها گفته است که حملات بمباران تابستان امسال آمریکا بر تأسیسات کلیدی ایران، برنامه هسته‌ای این کشور را نابود کرده و راه را برای صلح منطقه‌ای باز کرده است. مقامات آمریکایی مخفیانه از آمادگی اسرائیل برای توسل به زور ابراز نارضایتی کرده‌اند. ترامپ به ایران درباره بازسازی تأسیسات هسته‌ای هشدار داده، اما به‌طور خاص در مورد موشک‌های بالستیک هشدار ی نداده است. آنا کلی، سخنگوی کاخ سفید، در پاسخ به این سوال که آیا دولت از حمله اسرائیل به برنامه موشکی حمایت می‌کند یا خیر، گفت: «همان‌طور که دونالد ترامپ گفته است، اگر ایران به دنبال سلاح هسته‌ای باشد، آن سایت مورد حمله قرار خواهد گرفت و پیش از آنکه حتی به آن نزدیک شوند، نابود خواهد شد.» هرگونه حمله اسرائیل به حداقل سبز ضمنی واشنگتن نیاز دارد، زیرا اسرائیل برای دفاع در برابر موشک‌هایی که ایران احتمالاً در پاسخ پرتاب خواهد کرد، به کمک آمریکا نیاز خواهد داشت. حمله به ایران بر سر موشک‌های بالستیک به معنای سخت‌گیرانه‌تر شدن قابل‌توجه خطوط قرمز اسرائیل در قبال این کشور است. زمانی که اسرائیل در ماه ژوئن حمله غافلگیرانه خود را آغاز کرد، هدف اصلی اش برنامه هسته‌ای ایران بود که آن را یک تهدید وجودی می‌داند. اسرائیل انهدام تسلیحات متعارف دوربرد تهران را به عنوان یکی از اهداف جنگ ۱۲ روزه تعیین کرده بود و پس از آن به ایران هشدار داد که هرگونه تلاش برای بازسازی برنامه هسته‌ای یا موشکی، با حمله مواجه خواهد شد. دنی سیتزینوویچ، رئیس سابق بخش ایران در اطلاعات نظامی اسرائیل و پژوهشگر ارشد فعلی در موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، معتقد است که ترسیم خط قرمز برای موشک‌ها، وقوع جنگ دیگری را در سال آینده بسیار محتمل‌تر می‌کند. سیتزینوویچ گفت: «اسرائیل هرگز به خاطر تقویت تسلیحات متعارف وارد جنگ نشده است. این اولین بار خواهد بود. ما خودمان را مجبور به حفظ خط قرمزی می‌کنیم که ما را ناچار به حمله دوباره خواهد کرد.» به گفته سیتزینوویچ، این تغییر بخشی از دکرترین جدید امنیت ملی اسرائیل پس از حملات غافلگیرانه ۲۰۲۳ اکتبر حماس است که بر اساس آن، اسرائیل در اقدام علیه تهدیدات احتمالی تردید نخواهد کرد. کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز نگران برنامه موشکی ایران هستند. اما ایران که فاقد نیروی هوایی کارآمد است، موشک‌ها را ستون اصلی دفاع خود می‌بیند؛ به‌ویژه اکنون که برنامه هسته‌ای و متحدان منطقه‌ای‌اش (حزب‌الله و حماس) بر اثر دو سال نبرد با اسرائیل به شدت آسیب دیده‌اند. تحلیل‌گران می‌گویند ایران در حال حرکت به سمت بازسازی توان تولید موشک خود است، در حالی که در مورد سیاست‌های هسته‌ای کلیدی‌اش بسیار با احتیاط‌تر عمل می‌کند.



دوقطبی جدید در خاورمیانه

چرا عربستان سعودی و امارات متحده عربی وارد نبردهای نیابتی با یکدیگر شدند؟

اما به تدریج اختلاف‌ها میان امارات متحده عربی و عربستان سعودی آشکار شد. با پیشرفت بیشتر پروژه مقابله با تغییرات ژئوپلیتیک در خاورمیانه، به‌تدریج معلوم شد که محمد بن سلمان و محمد بن راید، ایده‌های متفاوتی از آینده منطقه دارند. هر چند هنوز این اختلاف‌ها به خصوصت علنی تبدیل نشده‌است، اما در ماه‌های اخیر به تدریج جنگ‌های نیابتی در منطقه میان امارات متحده عربی و عربستان سعودی شعلور تر شده‌اند. در سودان، عربستان سعودی به صورت رسمی از ارتش و شورای ریاستی حاکم بر خارطوم حمایت می‌کند، در حالی که امارات متحده عربی از نیروهای پشتیبانی سریع و محمد حمدان دقلو حمایت می‌کند. در یمن نیز به تازگی اختلاف‌ها وارد فاز جنگ نیابتی شده‌است. در حالی که عربستان سعودی از سال ۲۰۲۲ با تشکیل شورای ریاستی رهبری یمن، از ایجاد یمن واحد حمایت می‌کند، امارات متحده عربی روزبه‌روز حمایت خود را از نیروهای جدایی‌طلب شورای انتقالی جنوب افزایش داده‌است. ائتلاف پیشین عربستان سعودی و امارات متحده عربی در یمن تقریباً کاملاً از بین رفته‌است. در هفته‌های گذشته پیشروی نظامی نیروهای شورای انتقالی جنوب تحت حمایت مستقیم امارات در استان‌های حضرموت و المهره، با واکنش تند ریاض مواجه شده‌است. ریاض این پیشروی‌ها را محکوم کرده‌است و خواستار عقب‌نشینی فوری نیروهای عدن از این استان‌ها شده‌است.

▼ اختلاف ایدئولوژیک

بخشی از اختلاف‌ها میان امارات متحده عربی و عربستان سعودی، ایدئولوژیک است. در حالی که ابوظبی آشکارا با هرگونه میدان دادن به اسلام سیاسی و گروه‌های وابسته به اخوان المسلمین در کشورهای عربی مخالف است، عربستان سعودی به‌رغم ایدئولوژی مشترک با امارات، همواره نشان داده‌است که به صورت تاکتیکی آمادگی همکاری با نیروهای وابسته به اخوان المسلمین را دارد. چه در یمن و چه در سودان، یکی از اختلاف‌های اصلی بن سلمان و بن‌زاید حمایت از اخوان المسلمین است. در یمن، عربستان سعودی سال‌هاست که با حزب‌الاصلاح همکاری می‌کند و اجازه داده‌است تا رهبران این گروه وابسته به اخوان المسلمین در ریاض ساکن شوند. از نگاه محمد بن سلمان، حزب‌الاصلاح، به‌رغم وابستگی به ایدئولوژی اخوانی، یک متحد قابل اتکا برای مقابله با انصارالله و حوثی‌ها در یمن است. امارات اما به شدت با تقویت حزب‌الاصلاح در یمن مخالف است. گرایش امارات متحده عربی به نیروهای جدایی‌طلب جنوب یمن و جدایی مسیر از عربستان سعودی، تا حد زیادی به دلیل حمایت عربستان سعودی از اصلاح است. در سودان نیز موج تبلیغات گسترده‌ای با حمایت اسرائیل و امارات متحده عربی علیه شورای ریاستی و ارتش سودان به راه افتاده‌است که این نیروها را وابسته یا نزدیک به اخوان المسلمین و ایران معرفی می‌کنند. هر چند به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران حمایت امارات متحده عربی از نیروهای پشتیبانی سریع و محمد حمدان دقلودر سودان با هدف رسیدن به منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک است، اما ابوظبی اینگونه وانمود می‌کند که در سودان علیه اسلام سیاسی و اخوان المسلمین مبارزه می‌کند.

▼ شکست اخوت

در یک دهه گذشته به نظر می‌رسید که محمد بن سلمان و محمد بن‌زاید پیمان استراتژیکی با یکدیگر بسته‌اند تا ترکیب ژئوپلیتیک خاورمیانه را به نفع خود تغییر دهند. این رویکرد همکاری میان ریاض و ابوظبی، حتی پیش از روی کار آمدن محمد بن سلمان و با وقوع انقلاب‌های موسوم به بهار عربی در منطقه آغاز شده‌بود. هم عربستان سعودی و هم امارات متحده عربی نسبت به فروپاشی نظام‌های سنتی حاکم بر کشورهای عربی در شمال آفریقا و غرب آسیا نگران بودند. بزرگ‌ترین نگرانی این دو کشور این بود که نسیم تغییر در کشورهای عربی منطقه به تدریج در خاک خودشان هم بوزد و پایه‌های سلطنت‌های خودکامه عربی را متزلزل کند. به همین دلیل امارات متحده عربی و عربستان سعودی وارد اتحادی نانوشته برای مقابله با موفقیت این انقلاب‌ها در مصر، لیبی، یمن و بحرین و جلوگیری از به قدرت رسیدن نیروهای دموکراسی‌خواه شدند. وقتی که سلمان بن عبدالعزیز و پسرش محمد بن سلمان قدرت را در عربستان سعودی در اختیار گرفتند، این پیمان به دلیل روابط شخصی دو محمد که در رسانه‌های غربی به MbZ و MbS مشهور شده‌بودند، تقویت شد. ریاض و ابوظبی پس از سقوط صنعا و قدرت گرفتن انصارالله یمن، وارد عملیات نظامی مشترک در یمن شدند. در سوریه نیز عربستان و امارات متحده عربی حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی مخالف نظام بشار اسد را در همکاری با یکدیگر پیش می‌بردند. سال ۲۰۱۷ ی محمد بن‌زاید و محمد بن سلمان، تصمیم گرفتند تا از قطر به دلیل حمایت از نیروهای منتسب به اخوان المسلمین در کشورهای مختلف عربی انتقام بگیرند. محاصره اقتصادی و دیپلماتیک قطر، گام مشترک بعدی ریاض و ابوظبی بود.



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

تحولات ماه‌های اخیر در یمن و سودان نشان داده‌است که دوران صمیمیت و اخوت محمد بن سلمان، حاکم بالفعل عربستان سعودی و محمد بن‌زاید، حاکم امارات متحده عربی به پایان رسیده‌است. این دو رهبر منطقه‌ای که از یک دهه پیش به صورت هماهنگ در حال استفاده از تمام توان خود برای چیدن مهره‌های خاورمیانه و شمال آفریقا به نفع خود بودند، حال وارد رقابتی نفس‌گیر شده‌اند. در یمن نیروهای وابسته به امارات متحده عربی به سرعت در حال پیشروی در مناطق تحت کنترل نیروهای وابسته به عربستان سعودی هستند و در سودان نیز نیروهای نزدیک به امارات در حال نبرد به حکومت تحت حمایت عربستان سعودی هستند. به نظر می‌رسد که قطب‌بندی پیشین غرب آسیا در حال تغییرهای جدیدی است. امارات متحده عربی بیش از هر زمان دیگری به اسرائیل نزدیک شده‌است و از عربستان سعودی و قطر فاصله می‌گیرد، درحالی‌که ریاض با فاصله گرفتن بیشتر از ابوظبی به سمت قطر و ترکیه تمایل پیدا کرده‌است. درحالی‌که محمد بن سلمان از سال ۲۰۲۲ در تغییری اساسی تصمیم گرفت رویکرد سیاست خارجی تهاجمی خود را متوقف کند و به سمت تثبیت وضعیت موجود و عادی‌سازی روابط برای ایجاد محیطی آرام در منطقه حرکت کند، محمد بن‌زاید همچنان بر پیشبرد جاه‌طلبی‌های اقتصادی و سیاسی خود از طریق نیروی نظامی اصرار دارد. عربستان سعودی به تدریج در حال عادی‌سازی روابط خود با کشورهای منطقه از جمله ایران، قطر و ترکیه است، درحالی‌که استراتژی تهاجمی امارات متحده عربی همچنان ادامه دارد. امارات متحده عربی در یمن، سودان و لیبی با جدیت از نیروهای شبه‌نظامی حمایت می‌کند و تلاش می‌کند تا مخالفان خود را با استفاده از زور شکست بدهد. در عین حال روابط امارات متحده عربی و اسرائیل هم بیش از هر زمان دیگری نزدیک شده‌است؛ موضوعی که به نظر نمی‌رسد هنوز مورد تایید ریاض باشد.